برشی از روزنامه‌ها

سقوط هژمونی امریکا با منشور شهید سلیمانی!

روزنامه کیهان در یادداشت دیروز خود با اشاره به نقش سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در سقوط هژمونی امریکا در منطقه نوشت: آنچه تاکنون رسانه‌های انگلیسی و امریکایی از تحلیل‌های اندیشکده‌های اطلاعاتی امریکا در خصوص اهداف شهادت سپهبد سلیمانی پرده برداشته‌اند، این است که «ترور ژنرال قاسم سلیمانی و ابومهدی‌المهندس اقدامی هدفمند در راستای به تأخیرانداختن روند سقوط هژمونی امریکا در خاورمیانه بود». اما بی‌خبر از همه جا در این جنایت هم اشتباه محاسباتی‌شان، خود عاملی شد برای سرعت گرفتن افول امریکا! در آخرین جلسه‌ای که پنج‌شنبه در سوریه برگزار شد، شهید سلیمانی با الهام به اینکه تا ساعاتی دیگر به دیدار خدا می‌رود، از ساعت ۸ صبح تا ساعت ۳ بعدازظهر بدون وقفه منشور پنج سال آینده مقاومت، از برنامه تک‌تک گروه‌های مقاومت تا شیوه تعامل با همدیگر را ترسیم کرد و آنچه برای گروه‌های مقاومت در آن جلسه غیرعادی به نظر رسید این بود که حاج قاسم تأکید کرده بود «همه بنویسند، هر چه می‌گویم، بنویسید. منشور پنج سال آینده را دارم برای‌تان می‌گویم»! گفت و رفت تا نبودش خلأیی در روند سقوط هژمونی امریکا ایجاد نکند!

چاره‌ای برای مسئله جمعیت

روزنامه صبح‌نو در سرمقاله دیروز خود به مسئله جمعیت و مخاطرات ناشی از پیری جمعیت در کشور پرداخت و نوشت: چالش جمعیت روزبه‌روز نزدیک می‌شود. در حال حاضر ۹/۹درصد جمعیت ما سالمند هستند اما تا سه دهه آینده، ۳۰درصد جمعیت در بازه سالمندی بالای ۶۰سال قرار خواهند گرفت و بحران جمعیت، آینده و اقتصاد کشور را تهدید می‌کند؛ بحرانی که رهبر معظم انقلاب درباره آن بارها هشدار داده‌اند.

یکی از مسائلی که روی فرهنگ‌سازی مردم مؤثر است، کشورهای غربی هستند، آنها نگرش فرزند کمتر را جا انداخته‌اند و این طریق نگرش با فعالیت‌های فرهنگی و به تدریج ایجاد شده است. الان تصور بر این است که اگر تعداد فرزندان از دو بیشتر شود، حتماً باعث ایجاد مشکل می‌شود، حالا ما باید حالت عکس این قضیه را دنبال کنیم، یعنی رسانه‌ها و کلاً متولیان فرهنگ‌سازی جامعه باید آموزش‌های عکس را در دستور کار قرار دهند، به این معنی که فرزندآوری مانع تحصیل و ادامه شغل نیست. در حال حاضر دشمن حمله به هویت دینی و ایرانی ما را در دستور کار خود قرار داده است. برای مقابله با این مسئله باید محیطی فراهم شود که زوجین و اعضای خانواده از «آرامش و امنیت» و «آسایش و رفاه» سهم عادلانه‌ای داشته باشند و خانواده کانونی برای ترویج سبک زندگی سالم و تربیت فرزندان صالح و نیز تکیه‌گاهی مطمئن برای جامعه رو به پیشرفت باشد.

بازی برجامی ناموازن غرب

روزنامه رسالت در یادداشت دیروز خود نوشت: طی روزهای اخیر، مقامات امریکایی و اروپایی در مواضع گفتاری خود متفق‌القول هستند که احیای توافق هسته‌ای دیگر در اولویت سیاست خارجی آنها قرار ندارد.

واقعیت امر این است که بازگشت ایران به همکاری‌های فراپادمانی و حتی احیای برخی نظارت‌های پادمانی آژانس، مرهون احیای برجام و رفع عملیاتی تحریم‌های ضدایرانی می‌باشد، بنابراین دو شعبه کردن مسیر مذاکرات احیای برجام (آژانس و اعضای ۱+۴)، نوعی تاکتیک خاص جهت کنترل بیشتر صحنه از سوی واشنگتن و تروئیکای اروپایی محسوب می‌شود. قرار است رافائل گروسی به زودی به تهران سفر کند تا در خصوص نقاط اختلافی (بر سر مختومه‌سازی پرونده‌های ادعایی تا قبل از احیای برجام)، با مقامات کشورمان وارد مذاکره شود. در آخرین سفر نمایندگان آژانس به ایران، آنها در اقدامی غیرحقوقی حل این پرونده را منوط به احیای برخی نظارت‌های آژانس بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران کردند که با مخالفت منطقی کشورمان مواجه شدند. اظهارات اخیر گروسی نشان می‌دهد وی نیز با همان گارد بسته و رویکرد قبلی به تهران خواهد آمد، مگر آنکه دستور کار دیگری از سوی واشنگتن و تروئیکای اروپایی در روزهای آتی به وی تحمیل شود! بدیهی است که سازمان انرژی اتمی نیز در پاسخ به مطالبه گروسی و همراهانش مبنی بر جداسازی و تفکیک مسیر مذاکرات برجام از احیای همکاری‌های پادمانی با آژانس، بر موضع صریح خود در خصوص لزوم «مختومه‌سازی» پرونده‌های ادعایی مربوط به گذشته علیه کشورمان (تا قبل از عملیاتی‌سازی برجام) تأکید خواهد کرد.

ملی‌گرایی تقلبی – ملی‌گرایی ناب

روزنامه جام‌جم در یادداشت دیروز خود نوشت: همان‌گونه که اسلام ناب و اسلام امریکایی داریم، ملی‌گرایی ناب و ملی‌گرایی تقلبی هم داریم که باید آنها را از یکدیگر بازشناخت، در غیر این صورت ممکن است شیادان عقل‌دزد که کارشان تولید و توزیع کالای تقلبی و نامرغوب در بازار افکارعمومی است، ملی‌گرایی تقلبی را به جای ملی‌گرایی ناب به مردم و به ویژه قشر جوان قالب کنند.

اما تفاوت این دو نوع ملی‌گرایی در چیست و چه عواملی یکی را ناب و کارآمد و سازنده و دیگری را تقلبی و ناکارآمد و مخرب می‌سازد؟ اگر خواسته باشیم به صورت مصداقی در این باره سخن بگوییم باید به دو برهه تاریخی در کشورمان اشاره کنیم که در هر یک از آنها شاهد ظهور و بروز یکی از این دو نوع ملی‌گرایی بوده‌ایم، یعنی دوران قبل از انقلاب و دوران بعد از انقلاب. در دوران رژیم پهلوی، رضاشاه و پسرش ادعاهای بزرگ و حتی افراطی در مورد ملی‌گرایی و ایران‌پرستی و امثالهم داشتند. مراسم و تبلیغات گوناگونی نیز در این زمینه وجود داشت، از تبلیغ و ترویج افراطی باستان‌گرایی در دوران رضاشاه تا برگزاری جشن‌های ۲هزار و ۵۰۰ ساله در زمان محمدرضا، اما حاصل آن نوع ملی‌گرایی تقلبی و تشریفاتی با آن همه حرف و مراسم و تبلیغات پرسروصدا چه بود؟ حاصل آن نوع ملی‌گرایی این بود که:

رضاشاه به سادگی منطقه بسیار استراتژیک قره‌سو را به ترکیه واگذار و خسارتی جبران‌ناپذیر بر ایران وارد کرد. قرارداد نفتی ۱۳۱۲ که به مراتب زیانبارتر از قرارداد استعماری دارسی بود، منعقد کرد و نفت ایران را تا سال ۱۳۷۲ در اختیار انگلیس قرار داد. محمدرضا پهلوی در چارچوب سیاست‌های دیکته‌شده انگلیس، به سادگی از جزیره استراتژیک بحرین گذشت و زخمی ابدی را بر پیکر ایران بر جای گذارد. قوه خلاقیت و ابتکار جوانان ایرانی نادیده گرفته شده و بلکه سرکوب می‌شد و فضای خودباختگی و خودتحقیری در برابر غربی‌ها بر جامعه مستولی شده بود. پیروزی انقلاب اسلامی ناشی از این رویکرد ملت ایران به رهبری امام خمینی بود. مردم ایران با درک عمیق و همت بلند خود، از وادی «وابستگی» و «ما نمی‌توانیم» عبور کردند و قدم به سرزمین «استقلال» و «ما می‌توانیم» گذاشتند. این در واقع تغییر رویکرد از ملی‌گرایی انحرافی و تقلبی مبتنی بر فرهنگ غربی به یک ملی‌گرایی ناب و اصیل مبتنی بر فرهنگ و آموزه‌های اسلامی بود.

حاصل این نوع ملی‌گرایی این بود: به رغم تهاجمات گسترده نظامی به ایران، یک وجب از خاک این سرزمین نه در مرزهای غربی و نه در پهنه خلیج‌فارس از مام میهن جدا نشد. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با اتکا به توان داخلی به یکی از مقتدرترین و خودکفاترین نیروهای نظامی در جهان تبدیل شده‌اند. در عرصه پزشکی و درمان به حدی پیشرفت کرده‌ایم که ایران به عنوان یکی از قطب‌های گردشگری سلامت درآمده است. در عرصه علوم نوینی همچون نانو با گستره بسیار وسیع کاربرد آن در صنایع مختلف، به رتبه چهارم جهان دست یافته‌ایم و محصولات پیشرفته و مبتنی بر نانو یکی پس از دیگری رونمایی می‌شوند.

گزارش یک

بررسی ابعاد جنگ ترکیبی دشمن در گفت‌وگو با رضا سراج

هدف جنگ ترکیبی تغییر محاسبات مسئولان به دست افکار عمومی است

رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به جنگ ترکیبی دشمن علیه ملت ایران در اغتشاشات اخیر و استفاده از همه ظرفیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای ضربه زدن به کشور تأکید کردند: «اتفاقات این چند هفته صرفاً یک اغتشاش خیابانی نبود، [پشت] این، برنامه‌های خیلی عمیق‌تری بود. دشمن یک جنگ ترکیبی را شروع کرد، یک جنگ ترکیبی، این را بنده از روی اطلاع به شما عرض می‌کنم. دشمن یعنی امریکا، اسرائیل، بعضی از قدرت‌های اروپایی موذی و خبیث، بعضی از گروه‌ها و گروهک‌ها، همه امکانات‌شان را وارد میدان کردند. همه امکانات یعنی چه؟ یعنی دستگاه‌های اطلاعاتی‌شان را، دستگاه‌های رسانه‌ای‌شان را، ظرفیت فضای مجازی‌شان را، استفاده از تجربه‌های گذشته‌شان را.» رسانه KHAMENEI.IR در گفت‌وگو با رضا سراج، کارشناس مسائل سیاسی به بررسی هندسه جنگ ترکیبی علیه ملت ایران پرداخته است که می‌خوانیم.

در سال‌های اخیر می‌بینیم که در تحلیل‌ها و سخنرانی‌های گوناگون از مباحث مربوط به جنگ ترکیبی استفاده می‌شود. جنگ ترکیبی چه نوعی از نبرد است و چه ویژگی‌هایی دارد؟

جنگ ترکیبی، جنگی است که در آن یکی از طرفین درگیری از همه عرصه‌های گوناگون نبرد به طور همزمان استفاده می‌کند تا اثرات اینها را به صورت هم‌افزا بر رقیب خود بگذارد. جنگ ترکیبی به یک راهبرد نظامی گفته می‌شود که آمیخته‌ای از جنگ سیاسی، جنگ کلاسیک، جنگ نامنظم، جنگ مجازی، خبررسانی جعلی، دیپلماتیک، تلاش حقوقی-قضایی، مداخله در انتخابات کشورها، برهم زدن بافت جمعیتی، تهاجم فرهنگی، استفاده از اختلافات دینی و این‌گونه موارد است.

در تعریف دیگر جنگ ترکیبی، هسته مرکزی این نبرد، جنگ شناختی است که بر اساس آن چندین نوع عملیات دیگر بر طرف مقابل تحمیل می‌شود. در نهایت این چند نوع جنگ و در رأس آنها جنگ شناختی تأثیرات لازم را بر اذهان و ادراک مخاطبان بر جا می‌گذارد.

مجموع همه اینها در حقیقت یک جنگ محاسباتی است برای تغییر و اثرگذاری در محاسبات کشور مورد هدف، بنابراین جنگ ترکیبی یک جنگ هشت‌گانه است که جنگ شناختی را در صدر خود دارد و پیرامون آن جنگ اطلاعاتی، امنیتی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و به نوعی بی‌ثبات‌سازی و معتبرسازی تهدید نظامی قرار دارد. اگر همه این انواع عملیات باهم ترکیب شود، به فشار افکار عمومی منجر می‌شود و ادراک مخاطب عمومی آماج و مورد هدف قرار می‌گیرد تا بر ادراک مسئولان کشور هدف فشار آورده و در نهایت منجر به تغییر محاسبات شود.

تفاوت حرکت اخیر دشمن را در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ با موارد مشابه آن، برای مثال فتنه ۸۸ در چه می‌دانید؟

مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی با حرکت‌های گذشته وجود دارد. مشابهت آن با فتنه ۸۸ این است که در هر دو مورد اساس و بستر اصلی، جنگ شناختی بود. در فتنه ۸۸، موضوع تقلب در انتخابات یک جنگ شناختی بود، در حال حاضر هم با کشته‌سازی، دروغ‌پردازی و موضوعاتی از این دست، یک جنگ شناختی در جریان است.

نقطه شروع جنگ ترکیبی، جنگ شناختی است که این نوع جنگ بر ذهن مخاطبان کشور مورد هدف، اثر خود را می‌گذارد. رسانه‌های نوین در این نوع جنگ از همه بیشتر کاربرد دارند و مهم‌ترین ابزار، این رسانه‌ها هستند. در ادامه و در صورتی که این مرحله جنگ با موفقیت انجام شود و ذهن نخبگان کشور آماج به اسارت دربیاید، طبیعی است که ذهن عامه مردم نیز به اسارت درمی‌آید.

تفاوت اغتشاشات ۱۴۰۱ با فتنه ۸۸ آن است که در فتنه ۸۸ بعد از جنگ شناختی، مهم‌ترین عرصه، جنگ سیاسی بود. یک گسل سیاسی در درون کشور با محوریت جنگ شناختی (القای تقلب در انتخابات) به وجود آمد و کشور را به آشوب کشاند و به دنبال تغییر محاسبات سران نظام برای ابطال انتخابات بودند تا کشور را به سمت هرج‌ومرج بیشتری ببرند، اما در حوادث اخیر، یک جنگ شناختی با موضوعات فرهنگی-اجتماعی درباره مسئله زنان شکل گرفت و به دنبال آن، موضوع را به عرصه فرهنگ، اجتماع و سیاست کشاندند و به سرعت وارد عرصه بی‌ثبات‌سازی یعنی جنگ اطلاعاتی و امنیتی شدند. متعاقب آن کشورهای اروپایی و امریکا با حمایت از اغتشاشگران و پیگیری‌هایی که انجام می‌دهند، جنگ را وارد عرصه دیپلماسی کردند، بنابراین برای آنها مطلوب بود که خروجی نهایی جنگ ترکیبی پیرامون اغتشاشات ۱۴۰۱ باید تغییر محاسبات ملت و حکومت ایران و پذیرش خواسته‌های امریکا در یک توافق باشد.

آشوب‌های اخیر به جز تبعات سیاسی و امنیتی، چه کارکردهای دیگری برای دشمن داشت و در واقع ایران به چه سمتی در حرکت بود که دشمن خواست در آن ایجاد اختلال کند؟

امروز ایران به یک قدرت و بازیگر فرامنطقه‌ای در مناسبات جهانی تبدیل شده است. این مهم باعث شده است دشمن برای مهار این قدرت فرامنطقه‌ای مترصد بهره‌گیری از این فرصت جنگ ترکیبی شود. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب اشاره کردند، کلید تحلیل حوادث اخیر، تلاش دشمنان برای جلوگیری از قدرتمند شدن ایران است. برای اینکه چرایی شروع این جنگ ترکیبی را بفهمیم، باید سراغ مسئله قوی‌تر شدن ایران برویم. ایران در واقع در شرایطی قرار گرفته است که در چهارراه جهانی، نقش کلیدی‌ای را در تغییر موازنه و تأثیر بر محاسبات و نظم جهانی دارد. ایران در کنار چین و روسیه سرشار از انرژی و موقعیت ژئوپلتیک بوده و بازیگر بسیار تأثیرگذاری در مناسبات جهان خواهد بود، از این رو دشمنان ما با فهم این مناسبات، تلاش کرده‌اند با فتنه‌انگیزی قدرت ایران را مهار کنند. در همین روزها دستگاه‌های کشور ما علاوه بر اینکه پاسخگوی مطالبات مهم مردم هستند، به کار خود در حوزه‌های پیشرفت و قدرت ادامه می‌دهند، برای مثال، در همین چند وقت اخیر شاهد رونمایی از مصادیق پیشرفت کشور در حوزه موشک‌های فراصوت موسوم به هایپرسونیک بودیم. از طرف دیگر، سامانه پدافند باور ۳۷۳ و موشک ماهواره‌بر قائم را رونمایی کردیم. همه این موارد نشان از آن دارند که پیشرفت ایران با چنین حرکاتی متوقف‌شدنی نخواهد بود.

همان‌طور که اشاره کردید در این جنگ شناختی، فعالیت رسانه‌ها و دروغ‌پردازی آنها بسیار سنگین بود. این فعالیت رسانه‌ای چه خصوصیات و ویژگی‌هایی داشت و چه وقایعی را توانست برای ناظران بیرونی روشن کند؟

جنگ رسانه‌ای ابزار مهم جنگ شناختی است. امروزه عمدتاً از طریق رسانه‌ها، استراتژی فریب و گمراه کردن افکار عمومی در حال پیاده‌سازی است. در جنگ شناختی، ذهن مخاطب اسیر می‌شود، باید تلاش کنیم آنها را که گرفتار شده‌اند، آزاد کنیم. راه آزاد کردن این افراد جهاد تبیین است. خواص اکنون باید به مسئله تبیین به عنوان یک جهاد نگاه کنند. هر چقدر جهاد تبیین به درستی انجام و دروغ‌های دشمن در جنگ شناختی برملا شود و هر چقدر رسانه‌های مهاجم جنگ شناختی مانند رسانه ایران‌اینترنشنال و بی‌بی‌سی بی‌اعتبار شوند، به آزادسازی اذهان مردم به ویژه نوجوانان و جوانانی که امروز بیش از هر کس دیگری اسیر این جنگ شناختی شده‌اند، کمک می‌شود.

آیا فکر می‌کنید این اغتشاشات می‌تواند تأثیری در حرکت کلی جمهوری اسلامی ایران و مردم ایران داشته باشد؟

قاعدتاً در فتنه‌های اخیر هم ریزش و هم رویش وجود دارد. تجربه نشان داده است ما در فتنه‌ها در کوتاه‌مدت ضرباتی را در حوزه‌های مختلف متحمل شده‌ایم اما در جایی که نیروهای انقلاب پای کار آمده و سهم خودشان را به میدان آورده‌اند، خدا نیز یاری‌شان کرده و همان نقطه باعث رویش‌ها و برکات فراوانی برای ما شده است.

در فتنه ۷۸ ما شاهد تبیین مسئله بودیم و بعداً آثار و برکات آن را مشاهده کردیم. در فتنه ۸۸ هم همین‌گونه بود و در سال‌های بعد برکات و رویش‌های انقلاب جوانه زد. در این فتنه هم اگر چه ابتدا به طور محدود خرمشهرهای اذهان عمومی را در نقاطی از دست دادیم اما یقیناً این خرمشهرها بازپس‌گیری خواهند شد و ما به ثبات اذهان خواهیم رسید و رویش‌هایی را در این رابطه خواهیم داشت. در این نبرد مهم‌ترین دستاورد ما می‌تواند این باشد که نسل نوجوان و جوان ما (دهه نودی‌ها و هشتادی‌ها) متوجه این جنگ ترکیبی و توطئه‌های دشمنان می‌شوند و هوشیارتر و باتجربه‌تر از گذشته خواهند بود. این مسائل باعث می‌شود جوانان ما با این جنگ‌ها و آثار سوء آنها آشنا شوند و حقانیت و صلابت جمهوری اسلامی هم برای آنها روشن‌تر شود. در عین حال این حوادث نشان می‌دهد جمهوری اسلامی مانند گذشته باصلابت به کار خود در پیشرفت و قدرت‌افزایی ادامه می‌دهد و احترام و ستایش جهانیان را بیش از پیش متوجه خود خواهد کرد.

گزارش ۲

روایت معاون رئیس جمهور در امور زنان درباره نشست بین‌المللی «بانوان تأثیرگذار»

نگاه‌ها را به ایران تغییر دادیم

نخستین کنگره بین‌المللی بانوان تأثیرگذار روز ۳۰دی‌ماه با حضور شماری از چهره‌های برگزیده و فعال در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به میزبانی ایران برگزار شد؛ نشستی که در آن جمع زیادی از بانوانی حضور یافتند که به واسطه تلاش‌های خستگی‌ناپذیر در مسیر ایجاد تغییر و تحول اجتماعی، سیاسی و فرهنگی گام‌های بلندی برداشته‌اند.

انسیه خزعلی، معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهور به بیان بازخوردهایی جالب از میهمانان خارجی این کنگره و نقد حاشیه‌سازی‌های مخالفان دولت در این زمینه پرداخته است.

تعجب میهمان ژاپنی از سطح کار زنان ایرانی

بسیاری از میهمانان تأکید ویژه‌ای داشتند مبنی بر اینکه نقطه‌نظرات و رویکرد اصولی جمهوری اسلامی و همچنین دستاوردهای آن را در کشورهای خود بازتاب خواهند داد. ما در حاشیه این کنگره یک نمایشگاه نیز برگزار کردیم و دستاوردهای بیش از ۲۰۰شرکت را به نمایش گذاشتیم که مدیرعامل همه این شرکت‌ها از بانوان بوده‌اند که این امر موجب شگفتی میهمانان شده بود. چنان که می‌گفتند: «ما باور نمی‌کردیم زنان ایرانی در چنین سطحی فعالیت داشته باشند.» حتی خانمی که از ژاپن آمده بود می‌گفت: «من به جرئت می‌گویم که خانم‌های ایران در سطحی به مراتب پیشرفته‌تر از زنان ژاپنی کار می‌کنند.» همچنین برخی در روند بازدیدهایی که داشته‌اند، از مشاهده کالاهای تولید ایرانی تعجب کردند و معتقد بودند با وجود تحریم‌ها این حجم از محصولات تولید داخلی بسیار عجیب است.

مؤثر در تغییر نگاه به ایران

نمایندگان برخی کشورها پس از بازتاب گسترده برگزاری این نشست تماس‌های زیادی با ما می‌گرفتند و تأکید داشتند که چنین اقداماتی می‌تواند در بی‌اثر کردن سناریوی برخی کشورها علیه ایران موفق باشد. برخی میهمانان این نشست، وقتی تهران را ترک می‌کردند این مهم را تصریح می‌کردند که این سفر در تغییر نگاه‌شان به ایران بسیار اثرگذار بوده است. اعضای یکی از گروه‌های حاضر در ایران می‌گفتند که در آغاز حضورشان در هتل محل اقامت، برای خروج از اتاق دچار ترس و خوف بوده‌اند و می‌ترسیده‌اند که کشته شوند! یا خانم دیگری در فرودگاه گفته بود: «آیا من می‌توانم زنده برگردم؟» یا برخی می‌پرسیدند: «آیا شما می‌توانید در همه مقاطع دانشگاه وارد شوید؟»

واکنش میهمان آلمانی به تمایل برخی از ایرانیان برای زندگی در غرب

همچنین در حاشیه این نشست با یکی از بانوان آلمانی میهمان صحبت می‌کردم که ماجرای رفت و آمدش به داخل شهر و گفت‌وگو با شماری از زنان شهروندمان را روایت می‌کرد. او می‌گفت: «گاهی که در رستوران یا کافه غذا می‌خوردم، برخی از خانم‌های ایرانی که متوجه ملیت خارجی من می‌شدند، برای گفت‌وگو نزد من می‌آمدند و نسبت به حضور در کشورهای غربی مشتاق بودند.» ایشان از من می‌خواست فضایی را برای گفت‌وگو با این دسته از زنان که تمایل به سفر و زندگی در کشورهای غربی دارند، فراهم و آنها را توجیه کنیم این تصور که اروپا بهشت است، درست نیست، آن هم در حالی که خود ایران از نعمت‌های بسیاری بهره‌مند است. این حرکت بسیار خوب، سودمند و اثرگذار بسیاری را ناراحت کرده است. این افراد باور نمی‌کردند بعد از اقدامات چند ماهه اخیر که برای زیر سؤال بردن وضعیت زنان ایرانی انجام دادند، چنین نشستی در سطح گسترده برگزار شود و در سراسر جهان مورد استقبال قرار گیرد. منتقدان با یک ظاهربینی سطحی و نگاه تحقیرآمیز بالا به پایین، ترکیب جمعیتی حاضر در این نشست را زیر سؤال بردند. چنان که مشاهده کردم عکس یکی از میهمانان را که رئیس مجلس دپارتمان یکی از کشورهای امریکای لاتین بود، منتشر کرده و به تمسخر نوشته بودند «زن تأثیرگذار.» در حالی که در این سخنان منتقدانه فقط به کوچک بودن کشور او توجه کرده بودند. دست بر قضا این فرد از کشوری آمده بود که دستیابی زنان به مناصب و موقعیت‌های بالای اجتماعی و سیاسی در قیاس با یک کشور پیشرفته بسیار دشوارتر است اما او توانسته بود به مرتبه بالایی دست یابد، یعنی در روند مبارزه با خشونت علیه زنان و توانمندسازی دارای کارنامه روشنی است.

در مثالی دیگر برخی منتقدان عکس میهمانی از کشور «بورکینافاسو» را منتشر کردند و موقعیت کشور او را مورد تمسخر قرار دادند. در حالی که خانم‌هایی که به شدت تحت ظلم و ستم هستند، برای کمک به زنان و جامعه و ارتقای سطح علمی و فکری و اجتماعی جامعه تلاش می‌کنند، باید بیشتر دیده شوند، اما برخی عادت کرده‌اند که بیشتر به دیدار مقامات کشورهایی بشتابند که نگاه متکبرانه به ایران دارند.

گزیده خبر

معاون اول رئیس جمهور:

افغانستان باید به حقابه هیرمند متعهد باشد

افغانستان باید به حقابه هیرمند متعهد باشد و دولت جمهوری اسلامی ایران این موضوع را از مجاری بین‌المللی پیگیری می‌کند.

به گزارش آنا، محمد مخبر، معاون اول رئیس‌جمهور صبح دیروز و پس از ورود به استان سیستان‌وبلوچستان به صورت میدانی از ذخایر آبی و چاه نیمه‌های استان بازدید کرد.

وی در این بازدید که با حضور وزیر نیرو، نفت، معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور، نمایندگان استان سیستان‌وبلوچستان در مجلس شورای اسلامی و مدیران استانی انجام شد، با توضیحات مسئولان مربوط در جریان وضعیت ذخایر آبی استان و همچنین انتقال آب از چاه نیمه‌ها برای جلوگیری از تبخیر آب و تصفیه‌خانه‌های این مرکز برای تأمین آب آشامیدنی سالم و بهداشتی مردم منطقه قرار گرفت.

معاون اول رئیس‌جمهور در این بازدید با تأکید بر اینکه دولت متعهد به تأمین آب شرب برای مردم سیستان‌وبلوچستان است، تصریح کرد: دولت سیزدهم با جدیت طرح انتقال آب از دریا و استخراج آب‌های زیرزمینی به استان سیستان‌وبلوچستان را پیگیری می‌کند تا مشکلات کم‌آبی و خشکسالی مردم این منطقه به طور ریشه‌ای حل شود.

مخبر همچنین به برنامه‌های دولت سیزدهم و وزارت نیرو برای حل مشکلات آب استان اشاره کرد و افزود: تأمین آب از طریق چاه‌ها و آب‌های سطحی تا بهار سال آینده از برنامه‌های کوتاه‌مدت و همچنین بهره‌برداری از پروژه‌های انتقال آب استانی حداکثر تا دو سال آینده از برنامه‌های میان‌مدت دولت است.

وی در خصوص برنامه‌های بلندمدت حل مشکلات کم‌آبی استان سیستان‌وبلوچستان گفت: امیدواریم پروژه انتقال آب از دریای عمان به سرتاسر این استان تا پایان دولت سیزدهم نهایی شود.

معاون اول رئیس‌جمهور همچنین با اشاره به پیگیری‌های دستگاه دیپلماسی برای احیای حقابه هیرمند تأکید کرد: افغانستان باید به حقابه هیرمند متعهد باشد و دولت جمهوری اسلامی ایران این موضوع را از مجاری بین‌المللی پیگیری می‌کند.

سردار نقدی:

سپاه فعالیت سازندگی دارد نه تجارت و صادرات

سپاه فعالیت اقتصادی به شکلی که در تصور مردم است، ندارد. فعالیت اقتصادی سپاه در حوزه سازندگی است، نه تجارت، بازرگانی و صادرات.

به گزارش آنا، سردار «محمدرضا نقدی» در برنامه «بدون توقف» شبکه سوم سیما در پاسخ به این سؤال که «چرا گاهی در مواضع منطقه‌ای منفعل هستیم»، یادآور شد: این اعلام موضع با قدرتمند بودن دو موضوع متفاوت است، شاید گاهی به دلیل برخی از موضوعات مثل در نظر گرفتن منفعت‌ها، امنیت ملی و منطقه‌ای، مواضع قاطع و شفاف بیان نشود، اما این به معنای نداشتن موضع نیست. شما در نظر داشته باشید که به لحاظ قدرت در قبل از انقلاب برای ما از خارج تصمیم می‌گرفتند، اما امروز هر آنچه جمهوری اسلامی می‌خواهد حاکم است، در اصل امریکا به اندازه تمام کشورهای دنیا هزینه دفاعی می‌کند اما به اندازه ما خواسته‌های او نافذ نیست.

سردار نقدی در پاسخ به این سؤال که «در این مؤلفه‌های قدرت نرخ دلار و بحث اقتصادی کجاست»، عنوان کرد: شرایط متفاوت است. یک زمان کشوری در مدار آزاد حرکت می‌کند و کار خودش را پیش می‌برد، یک موقع اقتصاد مورد هجوم است، اگر یک‌دهم این هجمه‌ها و تحریم‌ها برای کشوری انجام می‌شد، آن کشور حتماً فلج بود، ولی ما همه این هجمه‌ها را تحمل کردیم، حتی امروز بنا بر آمارهای بین‌المللی تولید ناخالص ملی ما رتبه ۱۸ دنیاست.

وی در خصوص تفاوت وضعیت معیشتی و اقتصادی ایران با کشورهای کوچک حوزه خلیج‌فارس گفت: وقتی راجع به قدرت صحبت می‌کنیم، ترکیبی از همه مؤلفه‌هاست، یک کشوری ۱۰ میلیون جمعیت دارد و به اندازه ما نفت و گاز خام می‌فروشد، معلوم است به اندازه نسبت سرانه جمعیت می‌تواند بهتر برای کشور هزینه کند، اما این به معنای اقتدار پایدار نیست و اقتصاد آن اقتصاد متزلزلی است که با یک هجمه کوچک فرو می‌ریزد، مهم این است که جمع این مؤلفه‌های معیشت، رفاه، سلامت، دانش و فرهنگ عمومی خودش را در امید به زندگی نشان دهد که این امید به زندگی در کشور ما در ۴۳سال گذشته ۹۳کشور را پشت سر گذاشته و بالا رفته و در مورد بانوان که مورد اتهام هستیم، سن امید به زندگی از ۵۷ به ۷۹ سال رسیده است.

معاون هماهنگ‌کننده سپاه در خصوص فعالیت‌های اقتصادی سپاه نیز توضیح داد: سپاه فعالیت‌های اقتصادی به آن شکل که مردم فکر می‌کنند، یعنی به معنای خرید، فروش، بازرگانی، تجارت و صادرات ندارد و بیشتر در عرصه سازندگی فعال است.

منافقین، منبع اطلاعاتی سران اروپا شده‌اند

منافقین، منبع اطلاعاتی، تحلیلی و محاسباتی سران اروپا شده‌اند و به همین دلیل دچار اشتباه محاسباتی می‌شوند.

حمیدرضا ترقی، فعال سیاسی اصولگرا در گفت‌وگو با ایسنا درباره اقدام پارلمان اروپا برای قراردادن نام سپاه در لیست گروه‌های تروریستی اظهار کرد: نقطه کانونی راهبرد امریکا و اروپا در قبال ایران، تغییر رفتار نظام در کوتاه‌مدت و تغییر نظام سیاسی در بلندمدت است. از سویی سپاه در از بین بردن یا به هم ریختن سیاست‌های راهبردی امریکا در منطقه نقش مهمی دارد. سپاه همچنین نقش مهمی در پیاده‌سازی تدابیر رهبر معظم انقلاب، مدیریت و کنترل بحران‌های کشور، مقابله با جنگ نامتقارن و سایبری دشمن و البته دور زدن تحریم‌ها و خنثی‌کردن توطئه‌های دشمن دارد.

وی ادامه داد: امریکا و اروپا به همن دلیل به دنبال مهار سپاه هستند. تخریب‌هایی که در این مدت به ویژه پس از اغتشاشات نسبت به سپاه انجام دادند، نشان‌دهنده آن است که هدف امریکا و اروپا مهار سپاه است. با این حال اقدام پارلمان اروپا جایگاه قانونی ندارد، زیرا سپاه نیروی نظامی رسمی و بخشی از حاکمیت است. امکان تضعیف سپاه وجود ندارد و اقدام آنها بیشتر حرکتی تبلیغاتی است.

این عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی با اشاره به نقش منافقین در تصمیمات اتحادیه اروپا تصریح کرد: منافقین بزرگ‌ترین ضربه را از سپاه خورده‌اند. مقرهای آنها بارها توسط سپاه متلاشی شده است، بنابراین آنها علیه سپاه فعالیت داشته‌اند. منافقین که خودشان تروریست هستند، به دنبال عوض کردن جای خود با سپاه هستند. وارونه‌نمایی واقعیت یکی از ابزارهای آنهاست.

ترقی در پایان گفت: رفت و آمد منافقین به اتحادیه اروپا و سخنرانی در آنجا با فریب سران اروپا همراه شده است. منافقین، منبع اطلاعاتی، تحلیلی و محاسباتی سران اروپا شده‌اند و به همین دلیل دچار اشتباه محاسباتی می‌شوند. اگر اتحادیه اروپا به پیشنهاد پارلمان اروپا تن دهد، ضربه حیثیتی بزرگی به خود زده است.